



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۱۱/۱۸

قاسم باز

در مورد استعفا اعلیحضرت محمد ظاهر شاه از مقام سلطنت !

جناب آقای انجینیر احسان الله مایار بتاريخ ۱۶ / ۱۱ / ۲۰۲۰ در وبسایت اریانا افغانستان در مورد استعفا نامه اعلیحضرت محمد ظاهر شاه مطالب نوشته و از دوستان خواهش نموده هر شخص که در این مورد چیزی میداند روشنی بیاندازد، من هم به اجازه آقای جناب مایار صاحب چند سطر ذیل بکمال احترام مینویسم امید وارم ملال خاطر دوستان نگردد .

۱ - جناب آقای مایار صاحب در نوشته خود متذکر گردیده که اعلیحضرت محمد ظاهر شاه استعفا نامه خود را بنام ملت نوشته نه شخص ، ((البته که مطلب آقای مایار از نام ، اسم یا مقام شهید سردار محمد داودخان است .)) در حالیکه اصل نوشته استعفا نامه اعلیحضرت که جناب آقای مایار مدعی آن گردیده در نوشته خود که وی نیز انرا به نشر سپرده ان استعفا نامه اعلیحضرت عنوانی شهید سردار محمد داودخان است نه ملت افغان ، توجو نماید به اصل عنوان استعفا نامه اعلیحضرت محمد ظاهر شاه ، (**برادر جلالتماب ریس جمهور**) ، نمی دانم در اینجا ذکر کلیمه « برادر جلالتماب ریس جمهور » ، معنی ملت دارد یا شخص معین، محمد داود ؟ !

۲ - جناب احسان الله مایار در نوشته خود از قول نوروژ عضو وزارت خارجه انوقت مینویسد که «**داودخان ملکه را بخاطر استعفا نامه اعلیحضرت در ارگ کابل گروگان گرفته بود**» ، باید به آقای نوروژ و جناب مایار صاحب گفت، ملکه در هفته اول جمهوریت بنام اعضای فامیل سلطنتی بشمول **شادخت مریم عروس سردار محمد نعیم خان** به نزد شاه مطوع به روم فرستاده شدند . استعفا نامه اعلیحضرت در اواخر ماه اسد بکابل مواصلت نمود، اینجا گفتار آقای نوروژ تناقض فاحش دارد و بغیر از یک دروغ شاخدار چیزی بیش نیست .

۳ - نمی دانم که جناب آقای مایار کتاب آقای توریالی عثمان بنام (جهاد و مقاومت) را خوانده یا نه ؟ . آقای توریالی عثمان در اواخر سلطنت و اوایل جمهوریت عضو سفارت افغانی در روم بود، توریالی عثمان در مورد استعفا نامه اعلیحضرت محمد ظاهرشاه در کتاب خود یک فصل مفصل نوشته . حتی تا آنجا که آقای توریالی عثمان اسم نویسنده اصلی که توسط اعلیحضرت به ان توظیف شده بود و بعد از غور و مدافعه ان استعفا نامه بعد از اصلاحات که توسط ظاهرشاه با جمع دوستان شان در ان ذکر گردیده به تفصیل ذکر نموده اینکه آقای نوروژ عضو وزارت خارجه آوردن ان استعفانامه را از کابل یا لندن توسط محمد اکبر ریس دفتر مقام جمهوریت ذکر نموده بیش از یک دروغ شاخدار چیزی دیگری نیست .! نمی دانم چرا یک عده افراد که از اصل جریان خبر ندارد در اینگونه شرایط بحرانی به اینگونه مسایل دامن میزند . در ان روز هایکه در کابل نظام نوین جمهوریت پا به عرصه وجود گذاشته بود در روم مانند جناب نوراحمد خان اعتمادی سفیر و آقای توریالی عثمان هیچکس دیگر به اندازه این دو بزرگوار به درد اعلیحضرت ظاهر شاه نه خورده اند ، در ان شرایط نه جناب احسان الله مایار ، نه آقای نوروژ و نه آقای همایون شاه اصفی به درد ظاهرشاه خوردند ، نوراحمد اعتمادی جای بودباش اعلیحضرت را در سفارت افغانی در روم مساعد ساخت و آقای توریالی عثمان شب و روز در خدمت شاه سابق بود . بنظر بنده اظهارات آقای نوروژ و اسدالله عالم دور از حقیقت اند .

۴ - جنابان که امروز از گفته شاه سابق میفرمایند که شاه سابق اظهار داشته بود اگر « **من بر علیه نظام جمهوری بر ضد کودتا داود اقدام می کردم روسها مانند روز ۶ جدی مداخله میکرد** » . در اینجا باید گفت، که ظاهر شاه بعد از خلع سلطنت دیگر ان ظاهرشاه سال ۱۳۵۱ نبود، مردم افغانستان به شور و شوق ذایدالوصف از نظام جمهوری پشتبانی نموده بود و رهبر تحول از شخص اعلیحضرت در بین مردم افغانستان بنام شخص خدمتگار وطن شناخته شده بود .

ثانیاً، اگر حزب دیموکراتیک خلق مرتکب جنایات در افغانستان نمی شدند هیچگاه روسها به افغانستان نمی آمد ، پس به این منطق و استدلال بعد از تحول ۲۶ سرطان دیگر شاه افغانستان محبوبیت خود را در بین مردم از دست

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

داده بود، محبوبیت ظاهر شاه بعد از شهادت داود خان و کودتا هفت ثور زبان زد یک عده افراد محدود در بین مجاهدین گردید. هیچ تنظیم پیشاوری، ایرانی و روسی خواستار دوباره شاه سابق نبود. فرض محال اگر در انوقت ایران خواستار اعاده سلطنت در افغانستان بود آیا آنها میتوانست به آوردن دوباره شاه به افغانستان موفق میشدند؟ ایرانیها بتمام تلاش نتوانستند که جنرال عبدالولی را از حبس کوتاه باعچه نجات دهد چی رسد به تغیر نظام در افغانستان. لاف و شاف زدن کار اسان است. ما شاهد رفتن اعلیحضرت به افغانستان انهم در طیاره (سی ۱۳۰ امریکایی) به قوت ناتو داخل کشور خود بودیم ولی چیزی کرده نتوانست چی رسد بهمکاری ایران. در اینجا سوال پیدا میشود که آیا ظاهر شاه انقدر یک شخص جسور بود که این تصمیم را بگیرد، آیا پاکستان به این کار تن میداد؟ اینگونه گپ ها خینه بعد از عروسی است. که مردم امروز خیالی تصور میکند.

۵ - جناب آقای همایون شاه اصفی در کامنت خود در صفحه فیسبوک جناب مایار مینویسد که « پاکستان یکفر بنام حاجی یونس خوگیانی را به روم نزد اعلیحضرت فرستاد که اگر ظاهر شاه میخواد بر ضد داودخان داخل اقدام شود پاکستان حاضر است در این مورد به شاه همکاری و کمک میکند. »
جواب بزرگوار آقای اصفی صاحب باید نوشت که اولاً حاجی یونس خوگیانی باجه برادر عبدالمجید باز سریاور شهید داودخان میباشد، حاجی یونس خوگیانی در اواخر دوره سلطنت در موضوع قتل یکفر متهم بود، در انوقت دوسیه وی در دوران تعقیب عدلی بود، وقتیکه نظام جمهوری تاسیس گردید حاجی یونس خوگیانی از ترس زندانی شدن به تمام فامیلش به پاکستان گریخت، وی شخص بیسواد بود، و فاقد اندیشه ملی بود. وقتیکه وی به پاکستان میرسد در انوقت گلاب ننگر هاری، کاکا خسرم بکر جنرال محمد گل اریوب وال مالک سینما اریوب کابل نیز در انجا بودباش داشتند کاکا خسرم من محمد گل اریوب وال که وی نیز در جمله افراد گروه کودتای محمد هاشم میوندوال متهم بود نیز به پاکستان رفته بودند. چون شخص حاجی یونس خوگیانی شخص قومی بود از سیاست بوی نمی برد، حاجی یونس خوگیانی و محمد گل اریوب وال توسط گلاب ننگر هاری به پول شخصی خسرم به روم رفته بودند و در انجا به شاه مخلوع افغانستان هر دروغ های که گفته بودند گفته بود. کاکا خسرم برای حکایت نمود وقتیکه حاجی یونس خوگیانی به ظاهر شاه گفت که من امیدم و از شما بیعت میگیرم، در این وقت ظاهر شاه به حاجی یونس گفته بود که شما در افغانستان چی کاره بودید؟ حاجی یونس خوگیانی به ظاهر شاه گفته بود که من تاجر بودم، ظاهر شاه به یونس خوگیانی گفته بود که به کار تجارت تان دوام بدهید، حاجی یونس خوگیانی بعد از پیروزی مجاهدی بحیث مدیر اصلاحات اراضی ولایت ننگرهار در وقت ولایت حاجی قدیر کار میکرد وی در دوران حکومت حامد کرزی توسط دشمنان شان در خوگیانی کشته شد، این بود جریان پشتیبانی پاکستان از اعلیحضرت محمد ظاهر شاه بعد از تحول ۲۶ سرطان ..

از دوستان بزرگوار خود تمنا دارم که لطفاً موقف اعلیحضرت را بمانند یک فرد عادی و بی خبر پایان نیاورید .
۶ - شخص بنام عبدالصبور وردگ در صفحه فیسبوک آقای مایار در جواب آقای عبدالله نوابی چنین اظهار داشته .
« آقای نوابی! عجب استدلال و منطقی؟ داود خان افغانستان را از قرن وسطی به مدنیت ارتقا داد. جناب محترم اگر حالت امروزی خاک ما، و بیشتر از یک میلیون شهید و چهار میلیون مهاجر ترقی و تمدن است. پس تنها یک چیز گفته میتوانم لعنت بر این ترقی و تمدن برادر عزیزم اگر میتوانی، همان نادانی امنیت و زندگی ساده مارا دوباره بر ایمان هدیه کن که مردم از حکومت، خاک و این اشخاص رسیده گریزان هستند! نمیدانم که وطن دوستی برای خود ت چه معنی دارد. »

جواب این هموطن وردگ خود باید نوشت که آقای وردگ پیش از صدارت محمد داودخان یکمیلو متر سرک قیر نداشتی، این زحمات داودخان بود که بمانند شما هموطنان زمینه تحصیل سرک قیر شفاخانه پوهنتون ساخت شما که از ابادی عمران افغانستان چشم پوشی میکنید کار شما است امروز هم یک عده ناعقبت اندایشان قدرت طلب از صلح کرده ازادی بیان را زیاد ارج میگذارد. شما وردگ گرامی همراهی چوراهدین امروز هیچ فرق ندارید. کسیکه ازادی بیان را از عمران، پیشرفت و صلح کرده مهمتر بشمارد باید هیچ گیلايه نکنیم.

بنظر من قاسم باز نویسنده این سطور علل کودتا ۲۶ سرطان و شرایط بعد از تحول ۲۶ سرطان، دهه دیموکراسی قلابی سلطنتی بود، در دهه دیموکراسی تهداب تمام بدبختی ها مانده شد احزاب چپ و راست در این دوره پایگذاری شد. اجازه فعالیت گاهی داده شد و گاهی مسدود، نشرات احزاب چپ و راست به نشرات شروع کرد نظریات الحادی در مغز جوانان تدریق گردید. عجیب دونیا است که مسولیت ان دوره بی مسول را شما چیز فهمان؟ امروز به گردن شهید داودخان می اندازید. در مصاحبه اخیر اعلیحضرت که به خانم مینا بکتاش نماینده رادیو بی بی سی در کابل انجام داد ظاهر شاه مسولیت تمام بدبختیهای اخیر را به عهده خود گرفت که هیچ حاجت به بیان ندارد. لطفاً بار دیگر به ان مصاحبه گوش دهید. همچنان دو سال قبل آقای مصطفی ظاهر نواسه بابا ملت در یک مصاحبه تلویزیونی که به تلویزیون طلوع انجام داده اظهار داشت « وقتیکه پدر کلان من از ایتالیا به افغانستان می آمد میخواست نظام

را تغیر دهد و یک شخص دیگر را به روی صحنه بیاورد ولی جناب آقای مصطفی ظاهر از نام ان فرد تفره میروند . جنابان محترم لطفاً چیزیکه می نویسید مسولانه بنویسید نه مانند بچه های فیسبوکی بدون نام و نشان .

۷- در طول چهار سال و نو ماه ریاست جمهوری محمد داودخان، اعلیحضرت محمد ظاهر شاه عنوانی سردار محمد داودخان شانزده مکتوب یا خط دست نویس به ادرس برادرم عبدالمجید باز سریاور مقام ریاست جمهوری ارسال نموده بود که بجواب هر خط یا مکتوب اعلیحضرت، داودخان از ادرس برادرم جواب ارسال نموده از این شانزده مکتوب که چهارده ان مکتوب نزد برادرم در خانه مایان بود و در شب کودتا هفت ثور مایان ان مکاتب را به چند میل تفنگ و تفنجه در حویلی خود زیر خاک نمودیم ما در فکر ان که اگر خانه تلاشی شود این چیزها بدست حکومت کمونستی نه افتد، ولی قضا و قدر پدرم به پنج پسران شان در روز هشت ثور، نو ثور و دهم ثور ۱۳۵۷ بندی شدیم پدرم و سه برادرم در روزهای اول کودتا ثور به شهادت رسیدند من و برادر دیگر من صاحب منصب قطعه کماندو انوقت بنام عبدالولی باز، بعد از یک سال از محبس پلچرخي رها و بخانه آمدیم ، شب دوم مایان دو برادر ان اشیا گور کردگی را از زمین کشیدیم دیدیم که همه تفنگ ها که سردار محمد هاشم خان ، سردار شاه محمود خان غازی صدراعظم سابق ، سردار نعیم خان و پسران شاه محمود خان به پدرم بطور تحفه داده بود همراي قباله ها مکتوب های تحریری بعضی اسناد و البوم ها از بین رفته بود من و برادرم روز سوم رهای خود از محبس پلچرخي ان اشیا گور کردگی را در بوجی انداخته در حصه سرای عزنی کابل در دریا کابل انداختیم از ان جمله شانزده مکتوب تنها دو مکتوب ظاهر شاه در جبعه میز برادرم در قصر گلخانه ریاست جمهوری بود که بدست حکومت کمونستی رسید ، فکر میکنم که در روزهای اول حکومت کمونستی ان وقت یک مکتوب ظاهر شاه عنوانی داودخان را در اخبار انوقت نشر نموده بود که بعد انرا دوباره مصادره و جمع نمود . راست گفتند (شنیدن کي بود مانند دیدن) .

اگر لازم افتاد باقیدار .